

## عنوان مقاله:

عینیت ناگروی در اخلاق نسبی انگاری فرهنگی و شخصی انگاری اخلاقی

## محل انتشار:

پژوهشنامه فلسفه دین، دوره 2، شماره 1 (سال: 1383)

تعداد صفحات اصل مقاله: 33

## نویسنده:

ایرج احمدی (مترجم) جیمز ریچلز (نویسنده) - مترجم و محقق، تهران، ایران

## خلاصه مقاله:

نسبی انگاری فرهنگی و شخصی انگاری اخلاقی، دو نظریه مخالف عینی گرایی اخلاقی اند. در این نوشته، جیمز ریچلز، نشان می دهد که نسبی انگاری فرهنگی مبتنی بر استدلالی نامعتبرست؛ پیامدهای جدی انگاشتن آن نامعقول اند؛ و اختلاف نظر اخلاقی را بیش از آن که هست، تصویر می کند. در عین حال بر آنست که می توان درسهایی از این نظریه آموخت. نویسنده، در ادامه، دو روایت شخصی انگاری اخلاقی را مطرح و نقد می کند؛ روایت اول را بدلیل آنکه منکر دو واقعیت خطاپذیری انسانها و اختلاف نظر اخلاقی آنهاست، مردود می شمارد (شخصی انگاری ساده)، و روایت دوم را بدلیل اینکه نمی تواند نقش عقل و استدلال را در اخلاق توضیح و تبیین کند، ناقص قلمداد می کند (عاطفه گروی). وی نشان می دهد که اقامه دلیل و استدلال در اخلاق ممکن و مطلوب است و به همین دلیل اخلاق، عینی است، نه تابع ذوق و سلیقه شخصی یا مقبولات فرهنگی یک جامعه خاص.

## کلمات کلیدی:

اخلاق، نسبییت گرایی، عینیت گرایی، شخصی انگاری، عاطفه گروی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1879906>

